

# اسرار نماز در حدیث رضوی با تاکید بر روایت «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةُ أَلْفِ بَابٍ»<sup>۱</sup>

کاووس روحی برندق<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۴

## چکیده

نماز پرکاربردترین و واجب عبادی در آیات قرآن و بهترین وسیله تقرب به درگاه الهی است که ظاهر و باطن و بلکه بطون تو در تویی دارد و افزون بر احکام و آداب ظاهری، تشریح یکایک اجزای آن از فلسفه خاص و اسرار ویژه ای برخوردار است. این مقاله با هدف پژوهش در روایات رضوی، احادیث صادر شده از آن حضرت در خصوص اسرار نماز را گردآوری کرده و با بهره گیری از نظرات شارحان حدیث، عارفان و نگارندگان کتاب‌های اسرار الصلاة و با زرف اندیشی در مضامین روایات به ویژه تحلیل «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةُ أَلْفِ بَابٍ» به این نتیجه دست یافته که روایات رضوی درباره نماز افزون بر این که اثبات می‌کند نماز دارای سر و راز است، به مراتب اسرار نماز و نیز سر و راز پاره‌ای از اجزا و مقدمات نماز پرداخته است. همچنین راز هر یک از بخش‌های این معجون معنوی را بیان کرده و به این نتیجه رسیده که تنها وجه مورد قبول در معنای حدیث نام‌برده دارای اسرار ویژه بودن نماز است.

واژه‌های کلیدی:

حدیث رضوی، اسرار نماز، علل تشریح.

۱ - نماز دارای چهار هزار در است.

۲ - استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس. kroohi@modares.ac.ir

## ۱. طرح مسئله

نماز معجونی از عبادت‌ها و پرستش خدا و برخوردار از آثار معنوی ویژه‌ای در انسان است که به هیچ‌وجه قابل انکار نیست. چنین آثار معنوی به طور قطع از نماز ظاهری و شفاهی بر نمی‌آید، بنابراین در ورای ظاهر نماز، جنبه باطنی و معنوی نهفته است که آثار تکوینی نماز از آن منشأ می‌گیرد. از آنجا که انسان دارای ساحت‌های وجودی است، نیل به هر مرتبه وجودی، بهره‌مندی معنوی ویژه همان مرتبه را برای فرد به ارمغان می‌آورد. با دست یابی به اسرار الصلاه علاوه بر جسم، سایر ابعاد وجودی انسان نیز در حال اقامه نماز است. آنچه در اسرار الصلاه نقش اساسی دارد «حضور قلب» است و «توجه» و «تمرکز» در رسیدن به «حضور قلب» نقش اساسی دارد. بدون توجه و تمرکز فهم سر نماز امکان پذیر نخواهد بود. امام خمینی (ره) حضور قلب را دو قسم دانسته است: ۱. حضور قلب در عبادت. ۲. حضور قلب در معبود. حضور قلب در عبادت به معنای توجه به خود عبادت است که خود مراتبی دارد و حضور قلب در معبود به معنای توجه به حضرت حق است؛ یعنی انسان در هنگام نماز خواندن افزون بر توجه به معنای اذکار به خود خداوند توجه می‌کند. حضور قلب در معبود به دو مرحله تقسیم می‌شود: ۱. توجه به این که من در محضر خدا هستم، خدا مرا نگاه می‌کند. ۲. توجه به این که من خدا را می‌بینم و به او توجه می‌کنم (خمینی، ۱۳۷۸ ب: ۸). در مرحله اول انسان در هنگام نماز خواندن خود را در محضر خدا می‌بیند و به این توجه دارد که هنگام نماز خواندن خدا او را می‌بیند و انسان در حال گفت و گو با اوست. اما این گونه توجه در بخش خاصی از نماز خلاصه نمی‌شود، بلکه اجزا و ارکان نماز علاوه بر ظاهر فیزیکی، باطن و سری دارند. برای بیان سر اجزای ارکان نماز باید دانست فقها احکام و آداب نماز را به سه بخش ۱. مقدمات نماز. ۲. اجزا و افعال نماز و ۳. تعقیبات نماز تقسیم کرده‌اند. مقدمات، اجزا و تعقیبات نماز - شامل: ۱. طهارت ۲. ستر ۳. مکان ۴. وقت ۵. رو به قبله بودن ۶. اذان و اقامه ۷. نیت ۸. تکبیره الاحرام ۹. قیام ۱۰. قرائت ۱۱. رکوع ۱۲. سجده ۱۳. قنوت ۱۴. تشهد ۱۵. سلام ۱۶. تعقیبات ۱۷. اذکار ۱۸. ترتیب ۱۹. موالات هر یک سر و باطن خاصی دارند. این گونه نگرش به نماز در درجه اول برگرفته از آموزه‌های قرآنی و روایی است. از آیات، روایات و سیره معصومان<sup>(ع)</sup> استفاده می‌شود که نماز علاوه بر پوسته ظاهری لایه‌های باطنی متعددی دارد. قرآن کریم از جنبه‌های گوناگون به مسئله اسرار نماز پرداخته است. برخی از آیات به اهمیت حضور قلب، برخی

به آثار حضور قلب و برخی به مراتب حضور قلب اشاره می‌کند. پاره‌ای از این آیات عبارت اند از: بقره، ۴۵، ۱۵۳، ۲۳۸؛ نساء، ۴۳؛ مائده، ۹۱؛ انفال، ۳۵؛ توبه، ۵۴؛ ابراهیم، ۴۰؛ مریم، ۳۱؛ مریم، ۵۹؛ طه، ۱۴؛ مؤمنون، ۲؛ عنکبوت ۴۵؛ معارج، ۲۳-۲۲؛ معارج، ۳۴؛ ماعون، ۴-۶. نیز در سیره پیامبر اکرم (ص) آمده است که هنگام نماز صدایی مانند صدای قابلمه هنگام به جوش آمدن از سینه او شنیده می‌شد: «إِنَّهُ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ، سَمِعَ لَصْدَرَهُ أَرْزِيرَ كَأَرْزِيرِ الْمَرْجَلِ عَلَى الْأَثْفَلِيِّ مِنَ شِدَّةِ الْبُكَاءِ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۷۴۹). عایشه نقل می‌کند «پیامبر همراه ما می‌گفت و می‌شنید اما همین که وقت نماز می‌شد همه چیز را فراموش می‌کرد». حضرت علی (ع) در معنای «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» می‌فرماید: «وَمَعْنَى قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ فِي الْإِقَامَةِ أَنْ قَدْ حَانَ وَقْتُ الزِّيَارَةِ وَالْمُنَاجَاةِ وَقَضَاءِ الْحَوَائِجِ وَدَرْكِ الْمُنَى وَالْوُضُوءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَى كَرَامَتِهِ وَعَفْوِهِ وَرِضْوَانِهِ وَغُفْرَانِهِ» (ابن طاووس، ۱۴۰۶: ۱۴۸)؛ وقت زیارت و دیدار و مناجات و برآورده شدن حوائج و نیل به آرزو و رسیدن و وصول به خداوند - عزوجل - و به کرامت و عفو و خشنودی و آمرزش اش فرا رسید. در سیره امام حسن (ع) است که هنگام وضو گرفتن رنگ صورتشان زرد می‌شد. (ابن طاووس، ۱۴۰۶: ۵۱)؛ اگر این وضو فقط یک پوسته ظاهری داشت آن حضرت که از همه بهتر آن را انجام می‌داد پس چرا رنگ از چهره‌شان می‌پرید؟ بنابراین، این گریه، تغییر رنگ و ... که در سیره معصومان (ع) مشاهده می‌شود مربوط به ظاهر نماز نمی‌شود بلکه حکایت از لایه‌های باطنی نماز دارد.

علاوه بر سیره معصومان (ع) در کلمات الهی و فرمایشات معصومان (ع) نکاتی درباره چگونگی توجه کردن هنگام به جا آوردن کردار و گفتار نماز هست که ناظر به باطن نماز است. دانشمندان اسلامی با هدف تبیین و کشف اسرار باطنی نماز اقدام به نگارش کتاب‌هایی به نام «اسرار الصلاة» کرده‌اند. برخی از منابعی که می‌توان پیشینه اسرار الصلاة را از آن‌ها استخراج کرد، افزون بر قرآن کریم، روایات و سیره معصومان (ع) که منابع اصلی به شمار می‌آیند، کتاب‌های متعددی است که بزرگان اخلاق و عرفان که نگاشته‌اند و معروف‌ترین آن‌ها از نگاشته‌های عالمان شیعی عبارتند از: «اسرار الصلاة» شهید ثانی، با نام «التبیهات العلیه علی وظائف الصلاة القلیبه» و «سر الصلاة» و

«فلاح السائل» سیدبن طاووس<sup>۱</sup>، «أنوار الحقيقة و أطوار الطريقة و أسرار الشريعة» سید حیدر آملی<sup>۲</sup>، «المحججه البيضاء» و «الحقایق» فیض کاشانی<sup>۳</sup>، «اسرار الصلاة» قاضی سعید قمی، «اسرار الصلاة» آقا میرزا جواد ملکی تبریزی، «آداب الصلاة» و «سر الصلاة» امام خمینی (رحمهم الله تعالی).

این مقاله در صدد است با هدف پژوهش در روایات رضوی، احادیث صادر شده از آن حضرت در خصوص اسرار نماز را گردآوری کند و با بهره گیری از سخن شارحان حدیث، عارفان و نگارندگان کتاب‌های اسرار الصلاة و همچنین با ژرف اندیشی در مضامین روایات، به ویژه به تحلیل حدیث «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةٌ آفَافٌ بَابٌ» و تبیین معنای آن را پردازد.

## ۲. مفهوم شناسی

توجه دقیق به معانی مفاهیمی که در مبحث اسرار الصلاة کاربرد دارد برای تفهیم موضوع ضروری است؛ از این رو ابتدا باید تعریف دقیقی از این مفاهیم ارائه داده شود. این مفاهیم عبارتند از: ۱. احکام الصلاة ۲. آداب الصلاة ۳. اسرار الصلاة ۴. علل الشرایع. در این بخش سعی خواهد شد با ارائه تعریف جامع و دقیق از این اصطلاحات محدوده هر یک مشخص شود و آن‌ها را از یکدیگر تفکیک کنیم تا معنای واقعی اسرار الصلاة را بهتر قابل درک باشد.

### ۲-۱. احکام الصلاة

احکام شامل افعال فیزیکی و اعمالی می‌شود که به وسیله اعضا و جوارح انجام می‌گیرد. احکام مربوط به این دسته از اعمال در دانش «فقه» تبیین می‌شود. این اعمال لایه اول ابعاد وجودی انسان را در بر می‌گیرد. در واقع احکام در برابر آداب و اسرار، به احکام واجبی گفته می‌شود که مربوط به صورت ظاهری نماز اعم از گفتار (اذکار) و کردار (افعال) و تا حدودی نیت است. برای

۱ - وی در مقدمه کتاب «فلاح السائل» اذعان می‌کند که کتابی به نام «أسرار الصلوات و أنوار الدعوات» یا «مختار الدعوات و أسرار الصلاة» خواهد نگاشت و در ادامه می‌نویسد: البته اگر خداوند - جل جلاله - توفیق تألیف و نگارش این کتاب یعنی (جلد پنجم) را به من بدهد، تا زمانی که در قید حیات هستم، آن را مخفی نگاه داشته و به کسی نشان نخواهم داد، مگر این که خداوند که اجازه من به دست اوست، دستور دهد که بیش از وفاتم به کسی ارائه بدهم. ولی متأسفانه این کتاب و نیز جلد دوم «فلاح السائل» نیز به طور کامل از بین رفت است. رک: روحی، ۱۳۸۰، ۴۲. در جلد اول این کتاب ایشان نکاتی درباره اسرار نماز بیان می‌کند که برای توجه به آداب قلبی نماز واقعا بکر و بدون پیشینه است و برای اولین بار توسط او ارائه می‌شود.

۲ - سید حیدر آملی در این کتاب علاوه بر اسرار نماز به اسرار سایر عبادات مانند روزه، زکات و ... می‌پردازد، وی در این کتاب «شریعت، طریقت و حقیقت» نماز را بیان می‌کند، شریعت مربوط است به حوزه آداب و احکام نماز، طریقت مراتب ابتدایی اسرار الصلاة و حقیقت شهودهایی است که مربوط به مراتب توحیدی اسرار الصلاة می‌شود. رک: آملی، ۱۳۸۲: ۱۰.

۳ - فیض کاشانی مطالب غزالی را در احیاء العلوم مطابق با مذهب شیعه تحریر و تهذیب کرده و «المحججه البيضاء» نام نهاده است. رک: فیض کاشانی، ۱۴۱۷ ق، ۱: ۴-۱.

توضیح بیشتر باید یادآور شد که احکام شرعی در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته: ۱. احکام تکلیفی و ۲. احکام وضعی تقسیم می شود. بنابراین احکام نماز عبارت است از مجموعه ای از حکم های تکلیفی و وضعی. شهید صدر تعریفی جامع از احکام تکلیفی و وضعی ارائه داده است که تفاوت بین این دو را کاملا مشخص می کند. در این معنا احکام تکلیفی احکامی هستند که به طور مستقیم به فعل مکلف مربوط می شود (صدر، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۱۶۲) که خود بر پنج نوع تقسیم می شود: ۱. واجب: کاری که انجام دادن آن الزامی بوده و مکلف موظف به انجام آن است. مانند تکبیره الاحرام (گفتاری) و رکوع و سجود (کرداری) ۲. حرام: کاری که ترک آن الزامی و مکلف موظف به ترک آن است. مانند سخن گفتن در نماز ۳. مستحب: کاری که انجام دادن آن بهتر است، مثل تکرار برخی ذکرها در نماز. ۴. مکروه: کاری که انجام ندادن آن بهتر است، مانند تمدد اعصاب و انگشت شکستن. ۵. مباح: کاری که انجام دادن و ندادن آن از نظر شرع یکسان است. اما احکام وضعی احکامی هستند که به طور غیر مستقیم به فعل مکلف مربوط نمی شود، مانند احکام طهارت و نجاسات یا صحت و بطلان که مستقیم تکلیفی را بر دوش انسان نمی گذارد بلکه لازمه یا سرانجام یک حکم به احکام تکلیفی منجر می شود.

## ۲-۲. آداب الصلاه

واژه آداب از ریشه ادب در لغت به معنای گفتار یا کردار همراه با زیبایی و ظرافت خاصی است به طوری که مورد پسند مردم باشد (ابن منظور، بی تا، ج ۱: ۲۰۶) برای مثال بنشین، بتمرگ و بفرما هر سه برای نشستن استفاده می شود و در این میان واژه «بفرما» که با ظرافت گفتاری توأم است، گفتار مودبانه به شمار می آید. علامه طباطبایی یادآور می شود که از نظر اسلام زمانی گفتار یا کرداری مودبانه است که با ظرافت توحیدی به جا آورده شود نه فقط ظاهری آراسته داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۶: ۲۵۶). در واقع ادب توحیدی به این معنا که کاری که انسان انجام می دهد علاوه بر حسن فعلی و ظاهر آراسته، حسن فاعلی نیز داشته باشد، یعنی برای خدا انجام گرفته باشد. در این حالت است که آن کار مودبانه است، برای مثال به کسی که زیبا خطاطی می کند می گویند هنرمند اما هنر اسلامی این است که خطاط با نگرش توحیدی خطاطی کند یعنی لحظه به لحظه که می نویسد خدا را در نظر داشته باشد. به چنین کاری در اسلام ادب

توحیدی گفته می‌شود. با این حال منظور از آداب در مقابل احکام یعنی انجام مستحبات و ترک مکروهات در این معنا آداب بخشی از احکام تکلیفی محسوب می‌شود.

## ۲-۳. اسرار الصلاه

اسرار به معنای رازهای درونی نماز است و منظور توجه‌ها و تمرکزهایی است که در نماز صورت می‌گیرد؛ از قبیل توجه به معنای نماز، حضور قلب داشتن و ... که خود لایه‌های متعددی دارد. در واقع اسرار الصلاه به معنای پی بردن به لایه‌های باطنی نماز است و به بیان ساده تر در هنگام ادای نماز علاوه بر خم و راست کردن جسمانی و رعایت احکام و آداب نماز، روح نیز حضور دارد و توجه می‌کند. با توجه به این که روح به چه چیزی توجه کند اسرار نماز لایه‌های ژرف و ژرف تری می‌یابد. در حقیقت با «اسرار» انسان از پوسته و شکل ظاهری نماز عبور می‌کند و به مغز و روح آداب و احکام قلبی و روحی نماز دست می‌یابد. بدین لحاظ «شهادت ثانی» کتاب خود را در زمینه اسرار الصلاه، مکمل دو کتاب «الالفیه» و «النفلیه» بر شمرده و «التنبيهات العلیه علی وظائف الصلاه القلبیه» نام نهاده است (شهادت ثانی، ۱۳۷۱: ۶۶-۶۷). در واقع، روح نماز در «سر» نماز است و انسان با گفتار و کردار فقط به نماز ظاهری دست می‌یابد اما زمانی با اسرار و حقایق واقعی نماز آشنا شد با توجهات عمیق و عمیق تر در هر مرحله می‌تواند به نمازی دست یابد که جنس آن متفاوت از جنس نماز قبلی باشد. امام خمینی (ره) در زمینه اسرار الصلاه دیدگاه خاصی دارد و معتقد است نماز فقط یک سر دارد و آن توحید است؛ در نتیجه اسرار را به صورت مفرد «سر» بیان کرده و کتابی به نام «سر الصلاه» به نگارش در آورده است و بر همین اساس مستحبات و مراحل ابتدایی لایه‌های باطنی نماز را که دیگران به عنوان اسرار نماز شمرده‌اند در شمار «آداب الصلاه» دانسته و کتابی با همین نام تألیف کرده است. از سخن ایشان در آغاز این کتاب برمی‌آید که کتاب «سر الصلاه» را برای خواص و کتاب «آداب الصلاه» را برای عموم مردم نگاشته است (خمینی، ۱۳۷۸ الف: ۲) امام خمینی (ره) گرچه در این کتاب قصد دارد سر توحیدی نماز را به صورت کامل بیان کند اما آن را به صورت اجمالی توضیح می‌دهد. بنابراین در اصطلاح عموم سر الصلاه نویسان، احکام نماز عبارت است از واجبات نماز، آداب نماز مستحبات و مکروهات نماز و اسرار شامل لایه‌های چندگانه نماز است اما از نظر امام خمینی (ره) احکام عبارت است از واجبات نماز، آداب مستحبات و لایه‌ها و

اسرار باطنی اولیه نماز که سایر علما آن‌ها را جزو اسرار نماز محسوب کرده‌اند و سرالصلاه عبارت است از تنها مغز اصلی نماز که آن توحید است.

## ۲-۴. علل الشرایع

علل الشرایع به فلسفه احکام که ائمه<sup>(ع)</sup> در روایات متعدد بیان کرده‌اند می‌پردازد؛ بنابراین علل الشرایع تلاشی است از سوی راویان حدیث در ضمن روایاتی که از ائمه<sup>(ع)</sup> فلسفه و علت تشریح حکم را سوال کرده‌اند. بهترین کتابی که در این زمینه نوشته شده کتاب «علل الشرایع» شیخ صدوق است که در آن کتاب روایات فلسفه احکام و علل الشرایع را نقل کرده است. از قبیل این که چرا نماز صبح دو رکعت است؟ چرا نماز ظهر باید آهسته خوانده شود؟ چرا گذاشتن انگشتر در دست راست مستحب و در دست چپ مکروه است؟ و... مرحوم صدوق در «علل الشرایع» علاوه بر فلسفه احکام واجب و مستحب، فلسفه تمام آموزه‌های دینی معصومان<sup>(ع)</sup> را ذکر کرده است. اموری مانند القاب و اوصاف معصومان<sup>(ع)</sup>، وجه نام گذاری آن‌ها و... به عنوان مثال چرا پیامبر اکرم (ص) به امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> ابو تراب گفته است؟ چرا انبیا<sup>(ع)</sup> مرتکب ترک اولی شده‌اند؟ چرا حضرت آدم<sup>(ع)</sup> مرتکب گناه شد؟ و فلسفه امور دیگر نیز افزون بر محدوده احکام به صورت مسامحه در کتاب علل الشرایع بیان شده است.

در هر حال، در نگاه نخست به نظر می‌رسد که دو اصطلاح «علل الشرایع» و «اسرار الصلاه» به یک معناست اما با بررسی دقیق پی می‌بریم که این دو کاملاً متمایز از یکدیگر هستند هر چند نقاط اشتراکی با یکدیگر دارند؛ زیرا علل الشرایع بیان می‌کند که انجام دادن فلان عمل این خاصیت را دارد و تاثیر گذاری آن ارتباطی به توجه انسان ندارد اما اسرار الصلاه ناظر به توجه انسان است و زمانی انسان به آن دست می‌یابد که حین انجام عمل به آن توجه داشته باشد. اما نقطه اشتراک این دو اصطلاح این است که ما می‌توانیم از برخی از روایات که معصومان<sup>(ع)</sup> درباره علل الشرایع بیان فرموده‌اند به صورت کاربردی استفاده اسرار الصلوتی کنیم. برای مثال در روایتی از امام رضا<sup>(ع)</sup> فلسفه تکبیر، گونه ای از تسلیم و تضرع ذکر شده است: «لِأَنَّ رَفَعَ الْيَدَيْنِ ضَرْبٌ مِنَ الْإِبْتِهَالِ وَ التَّبَتُّلِ وَ التَّضَرُّعِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۶: ۲۹) این روایت گرچه فلسفه تکبیر در نماز را بیان می‌کند اما از آن می‌توان استفاده کرد که اگر انسان هنگام گفتن «الله اکبر» توجه کند و آن حالت

تسلیم را هم در دل داشته باشد، به سر الصلاة نیز دست می‌یابد. در حقیقت در اسرار الصلاة علاوه بر نماز گفتاری و رفتاری ذهن و روح انسان نیز به چیزی توجه می‌کند. بنابراین «علل الشرایع» مصلحت و مفسده فعل یعنی خاصیت طبیعی و تکوینی آن را بیان می‌کند. مانند این که خاصیت آتش سوزاندن است چه انسان اراده کند و چه اراده نکند. یا مانند دارو که انسان توجه کند یا توجه نکند اثر خودش را می‌گذارد؛ اما در اسرار الصلاة تا انسان توجه نکند آن اثر را از آن فعل نمی‌گیرد و نتیجه‌گیری منوط به توجه و تمرکز انسان است. در واقع در اسرار الصلاة انسان از روایت به نوعی استفاده کاربردی و دستورالعملی می‌کند. به علاوه علل الشرایع درباره همه عبادت هاست در حالی که اسرار الصلاة فقط به نماز می‌پردازد.

### ۳. روایات رضوی درباره اسرار نماز

علاوه بر آیات قرآن کریم، معصومان<sup>(ع)</sup> نیز بر اهمیت حضور قلب در نماز تاکید فراوان کرده و در روایات متعدد به آثار حضور قلب، مراتب حضور قلب و ... پرداخته‌اند. ما در این مبحث از میان آن دسته از روایات امام رضا<sup>(ع)</sup> که موضوع آن‌ها اسرار نماز است یا از تباطی با اسرار نماز دارد، حدیث «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةٌ أَلْفِ بَابٍ» را برگزیده ایم و تحلیل خواهیم کرد و در آغاز به روایات دیگر امام رضا<sup>(ع)</sup> در این زمینه خواهیم پرداخت. با کاوشی که در احادیث رضوی انجام گرفت در مجموع هفت روایت در این زمینه به دست آمد که البته دور روایت مکتوب محمد بن سنان و فضل بن شاذان بسیار مفصل هستند و به ویژه حدیث فضل بن شاذان اگر بخواهد مشروح بیان شود، رساله جداگانه ای را می‌طلبد.

در حدیثی از امام رضا<sup>(ع)</sup> آمده است: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كَيْلُ تَقِيٍّ» (ابن بابویه، ۴۰۴ ق، ج ۲: ۷)؛ نماز ابزار تقرب و نزدیکی به خدا برای هر شخص باتقواست. این روایت به سر نماز اشاره دارد و این که راز نماز نزدیکی و قرب به خداوند است؛ زیرا زمانی این مسأله در نماز پدید می‌آید و نماز مایه قرب به خداوند می‌شود که انسان نماز را با حضور قلب به جا آورد و به احکام ظاهری و پوسته نماز بسنده نکند. در روایتی دیگر از حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup> آمده است: «لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۴۰۷ ق، ج ۲: ۵۵)؛ عبادت به زیادی نماز و روزه نیست، بلکه ارزش عبادت تفکر در امر خداوند است. اگر توجه شود که عبادت دو گونه است: (۱)

عبادت جوارحی: یعنی عبادتی که توسط اعضا و جوارح به جا آورده می شود ۲. عبادت قلبی: یعنی عبادتی که با توجه و حضور قلب انجام می گیرد. از این روایت برداشت می شود عبادتی که با حضور قلب انجام می گیرد بسیار ارزشمندتر از عبادتی است که با بدن انجام می گیرد. به ویژه آن که توجه شود ممکن است منظور از تفکر، تمرکز باشد. چنان که شبستری در پاسخ هروی که می پرسد: «نخست از فکر خویشم در تحیر/ چه باشد آن که گویندش تفکر» پاسخ می دهد: «تفکر رفتن از باطل سوی حق / به جزء و ندر بدیدن کلّ مطلق» (سعادت پرور، ۱۳۸۳: ۳۹-۴۰) در این روایت نیز با توسع معنایی عبادت، تفکر به نوعی عبادت برتر به شمار آمده، و این مسأله در برابر نماز و روزه قرار داده شده است؛ بنابراین، مراد از نماز نکوهیده نماز بدون توجه به معنای آن و نماز بدون حضور قلب و صرف خم و راست شدن خواهد بود. چرا که، نماز دارای ظاهر و باطن است و باطن آن که نوعی تمرکز و توجه به خداوند و حضور قلب است باید بیشتر مد نظر باشد. این تفکر و تمرکز که توجه به امر خداست، هنگام اقامه نماز به سه معناست: ۱. توجه به نقص خود و عظمت خداوند ۲. هر چیزی به خداوند نیاز دارد و از خداوند ناشی شده است ۳. تفکر درباره رحیم بودن، بزرگی و عظمت خداوند و این که به چه اندازه قدرت دارد و بر کلّ هستی سایه افکنده می باشد.

همچنین در حدیثی علی بن حسن فضال به نقل از پدرش از امام رضا<sup>(ع)</sup> نقل کرده است که از حضرت می پرسد معنای سجده شکر پس از نماز فریضه چیست؟ حضرت می فرماید: این سجده برای تشکر از خداوند است. کمترین عبارت آن گفتن سه مرتبه «شُكْرًا لِلَّهِ» است. برای این که مرا موفق نمود تا بندگی او را کنم و نماز واجب را به جا بیاورم و شکر موجب زیاده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۸۱) از این حدیث استفاده می شود که فلسفه نماز خواندن شکر و سپاسگزاری است. همچنان که خداوند می فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم، ۷) اگر شکر کنید من زیاد می کنم و منظور از زیاد کردن در هر زمینه ای افزودن نعمت متناسب با مورد شکر است. مثلاً اگر کسی نماز واجب بخواند و آن نماز کاستی داشته باشد با خواندن نمازهای نافله کاستی های آن نماز را جبران می کند، ولی اگر نوافل نیز کاستی داشته باشد با سجده شکر کاستی های آن جبران می شود. بنابراین، این روایت سرّ سجده و سرّ کل نماز را بیان می کند. به نظر می رسد این روایت برگرفته از این آیه قرآن باشد که خداوند به حضرت موسی<sup>(ع)</sup> می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي» (طه، ۱۴)؛ نماز را برپا دار برای یاد کردن من، به ضمیمه حدیثی که می فرماید: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً

فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۱۰)؛ مردمی خدا را به امید بخشش پرستیدند، این پرستش بازرگانان است، و گروهی او را از روی ترس عبادت کردند و این عبادت بردگان است و گروهی وی را برای سپاس پرستیدند و این پرستش آزادگان است. از این حدیث برمی آید عبادت که مغز آن ذکر و یاد کرد خداوند به سه صورت است: ۱. ترس از جهنم، ۲. به طمع بهشت، ۳. عبادتی که از روی شکر باشد، یعنی فقط و فقط برای خدا باشد. بر این اساس، امام رضا<sup>(ع)</sup> در روایت مورد بحث به سر نماز و سر سجده اشاره می کند.

در حدیث دیگر در کتاب فقه الرضا<sup>(ع)</sup> به اسرار نماز و لزوم رعایت خشوع باطنی و قلبی افزون بر خشوع ظاهری و ترس از عظمت خدا و اقبال و توجه با تمام وجود و روی برنگرداندن از خدا تصریح شده است. (منسوب به علی بن موسی<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ق: ۱۰۱-۱۰۲)

نیز در روایت علل الصلاة فضل بن شاذان که ایشان از لحاظ علمی از برجسته ترین اصحاب امام رضا<sup>(ع)</sup> است، به نقل از امام رضا<sup>(ع)</sup> تصریح به اسرار نماز شده است. طی این حدیث مفصل که فضل بن شاذان می گوید که من آن را در یک مجلس از حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup> شنیده ام، بلکه حضرت در مجالس و موقعیت های مختلف مطالبی را بیان فرمودند و من آن ها را گرد آورده و تألیف کرده ام. قسمت های بسیاری از این روایت درباره علل الشرائع است و در لابه لای این شرایع به سر نماز اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۰۳-۱۰۶) به طور کلی از این حدیث برداشت می شود که رمز اصلی تمام الفاظ، حرکات و فعل های نماز بر محور توحید و توجه به خدا و توجه دادن به خداوند (با زبان یا با حرکت) است. روایت دیگر مکتوب محمد بن سنان و در زمینه علل الشرائع است و طی آن نیز به فلسفه تشریح و ذکر اسرار احکام بسیاری از جمله احکام نماز پرداخته شده است. (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۱۴-۲۱۵) و سرانجام روایتی که در ادامه خواهد آمد، جزو احادیث رضوی در زمینه اسرار نماز به شمار می آید که فقط به نکات اسرار الصلواتی این روایت که در باره چهار هزار در یا حد داشتن نماز است، می پردازیم.

#### ۴. تحلیل و نقد دیدگاه ها در شرح حدیث «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةٌ أَلْفَ بَابٍ»

در روایتی از امام رضا<sup>(ع)</sup> آمده است: «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةٌ أَلْفَ بَابٍ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق،

ج ۱: ۲۵۵) یا به نقل دیگر از امام صادق (ع) با اندکی تفاوت آمده است: «لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٍ حُدُودٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۳)؛ نماز دارای چهار هزار در، یا چهار هزار حدّ و مرز است. این روایت می‌تواند دارای معانی گوناگون باشد. در ادامه بحث دیدگاه‌ها و نیز وجوه احتمالی در شرح این حدیث را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

#### ۴-۱. احکام الزامی و غیر الزامی نماز

شهادت اول بر اساس روایت نام برده هزار حکم واجب نماز را به نام «الفیه» و سه هزار حکم مستحب را به نام «نفلیه» بر اساس فتاوی خود گرد آورده است. بنابراین، ایشان چهار هزار در را در این روایت این گونه معنا و تفسیر کرده و باب را به معنای حدّ (یعنی مرز) گرفته است (شهادت اول، بی تا: ۲۹؛ شهادت اول، ۱۴۰۸ق، ۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۳) به نظر می‌رسد شهادت اول این معنا را از آیات قرآن که حد به معنای حکم به کار رفته، استفاده کرده است. در قرآن کریم در آیات متعدد آمده است: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ» (بقره، ۱۸۷، ۲۲۹، ۲۳۰؛ نساء، ۱۳؛ مجادله، ۴؛ طلاق، ۱). این معنا از نظر این که تعداد احکام الزامی و غیر الزامی نماز به چهار هزار می‌رسد یا افزون بر آن است هیچ اشکالی از نظر عدد ندارد؛ وانگهی ممکن است عدد چهار هزار از باب تکثیر برای نشان دادن افزونی و فراوانی احکام نماز باشد.

با این حال به نقل از میرداماد گفته شده است که به لحاظ این که تعداد قابل ملاحظه احکام واجب نماز هزار حکم و احکام مستحبی قابل ملاحظه نیز هزار حکم است، مسأله را به این صورت توجیه کرده اند که به دلیل این که ترک هر واجبی حرام و ترک هر امر مستحبی مکروه است، از این رو احکام نماز به تعداد چهار هزار مورد خواهد رسید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۴) لیکن این سخن به دلیل وجود تکلف در آن که هر حکم را در واقع دو بار شمار آورده است مورد اشکال قرار گرفته است، لذا ذکر عدد هزار برای تعداد بسیار حمل شده است اگر چه به این تعداد نرسد؛ موضوعی که در زبان عربی رایج است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۸: ۸۲۷)؛ لیکن واقعیت این است که میرداماد با فرض این که احکام قابل ملاحظه دو هزار باشد این وجه را بیان کرده است، نه آن که بخواهد این مبنا را پذیرفته باشد. به عبارت دیگر، اشکال فیض کاشانی در صورت صحت این مبنا وارد است، ولی از وجوه دیگر که میرداماد بیان می‌کند، عدم پابندی خود میرداماد به آن ظاهر

می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۴).

در هر حال، به نظر می‌رسد معنایی که شهید اول ارائه می‌دهد در سطح بالایی نیست؛ زیرا ۱. حمل حدّ بر غیر واجبات همچنان دارای تکلف است. این جاست که احتمال دوم که در ادامه خواهد آمد تقویت خواهد شد. ۲. چنانکه گفته شد این روایت نقل دیگری به عنوان چهار هزار باب دارد: «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ بَابٍ»؛ نماز دارای چهار هزار در است و «در» یعنی آن چیزی که به نماز وارد می‌شود، خود نماز نیست. اما شهید اول به گونه‌ای معنا می‌کند که گویی خود نماز قسمت‌هایی دارد و از این‌ها تشکیل شده است. بر اساس این اشکال، احتمال دوم نیز که بر مبنای فقط معنای «حد» بدون ملاحظه «باب» شکل گرفته است، همچنان دارای اشکال خواهد بود.

#### ۴-۲. احکام الزامی نماز

ممکن است همان گونه که از میر داماد نقل شده مقصود فقط احکام واجب نماز مراد باشد که بسامد آن‌ها بدون محاسبه سایر احکام به چهار هزار حکم می‌رسد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۴).

#### ۴-۳. معیار قبولی یا در بردارنده خواص تمامی اعمال

ممکن است همان گونه که از میر داماد نقل شده به دلیل این که قبولی آن‌ها منوط به قبولی نماز است، یا به اعتبار این که نماز کامل در بردارنده اسرار و خواص و ویژگی‌های روزه، زکات، حج و دیگر واجبات است، مقصود تمامی احکام سایر واجبات باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۴-۳۰۵)؛ لیکن حقیقت این است که در حدیث محل بحث فقط به نماز تاکید شده است. از این گذشته قبولی نماز از آثار نماز است و دیگر این که نماز آثار تمامی عبادت‌ها را دارد، اول الکلام است، حتی اگر بپذیریم که نماز انواع و گونه‌های مختلف اسرار تمامی عبادت‌ها را دارد به این معنا نیست که در بردارنده تمامی اسرار آن‌هاست، و گرنه جانشین آن‌ها می‌شد.

#### ۴-۴. دری به سوی قرب یا ربط به خدا

امکان دارد منظور از «باب» درهای قرب به خدا باشد. یعنی نماز چهار هزار «در» قرب و نزدیکی باشد. (مجلسی، بی تا، ج ۴: ۲۸۳؛ مجلسی، ۱۶۳، ج ۱۵: ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۳) یا

به تعبیر دیگر مراد از آن درهای ربط به خدا در جزء جزء نماز باشد (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۹: ۳۰۳) بر این اساس نماز چهار هزار «در» قرب و نزدیک و ربط به برای ایجاد ارتباط معنوی انسان با خدا را باز می‌کند.

این دو احتمال اگر چه در نظر نخست بسیار دلپذیر است ولی واقعیت این است که در حدیث بحث شده سخن از این است که نماز دارای در یا حد است، نه آن که نماز در و حدی برای چیز دیگر از جمله قرب خداست. لذا این دو وجه نیز مخالف با ظهور این حدیث خواهند بود.

#### ۴-۵. درهای آسمانی

ممکن است منظور از «باب» درهای آسمان باشد. یعنی نماز چهار هزار «در» بین زمین و آسمان برای پذیرش نماز باشد به این صورت که هر یک از نمازها از برخی یا هر کدام از تمامی ابواب صعود می‌کند. (ملکی تبریزی، بی تا: ۱۱۳؛ مجلسی، بی تا، ج ۴: ۲۸۳؛ مجلسی، ۱۶۳، ج ۱۵: ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۹: ۳۰۳)

این احتمال نیز به لحاظ این که در را برای چیز دیگر یا از نوع دیگر غیر از حقیقت نماز پیش فرض گرفته است، مطابق با ظهور این حدیث نخواهد بود که بیان می‌کند نماز خود دارای در است، نه آن که در صورت پذیرش و قبولی از درهای آسمان عبور و صعود می‌کند. لذا اگر چه این امر خود مطابق با واقع است، لیکن توجیه صحیحی برای حدیث مورد بحث به شمار نمی‌آید.

#### ۴-۶. دربانان و فرشتگان

همان گونه که از میر داماد نقل شده منظور از واژه «ابواب»، از باب تکثیر و نه ذکر دقیق عدد، خود فرشتگان که دربان آسمان‌ها برای بررسی اعمال از جمله نماز هستند، اراده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۹: ۳۰۵-۳۰۶). این وجه نیز از راه مجاز در صدد توجیه کاربرد معنای در به دربان یعنی فرشتگانی است که اعمال را بررسی می‌کنند. درباره معنای حدیث بحث شده مجاز و جهی بسیار بعید است و تنها در صورت عدم امکان حمل لفظ عبارت بر معنای حقیقی توسعه یافته یا مجاز قریب می‌توان بدان گرایید، لذا این احتمال نیز غیر موجه خواهد بود.

#### ۴-۷. موجودات آسمانی و مجرد

همان گونه که از میر داماد نقل شده از «ابواب»، موجودات و عقول و نفوس سماوی اعم از افلاک، کرسی و عرش که محل صعود اعمال از جمله نماز هستند، اراده شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۶).

محمد باقر مجلسی وجوه اختصاصی را که از میر داماد نقل کرده اگر چه در جایی فقط با جمله «و الله يعلم حقایق کلامهم و هم علیهم السلام.» (مجلسی، بی تا، ج ۴: ۲۸۵) اعتراض به سخن میر داماد دارد، ولی در بحار الانوار این وجوه را با بیان این که یا به دور از ذهن است یا با اصول پذیرفته شده در دین اسلام منافات دارد، غیر قابل قبول می داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۷). به نظر می رسد بیشترین اعتراض به دو وجهی باشد که ما در این مقال به عنوان وجه ششم و هفتم (۴-۶ و ۴-۷) آورده ایم و دلیل این اعتراض به احتمال زیاد به لحاظ ابتدای وجه هفتم (۴-۷) بر هیئت بطلمیوسی می باشد، لیکن باید توجه داشت که اگر چه امروزه بطلان مبنای هیئت بطلمیوسی ثابت شده است، این سخن دلیل بر این نمی شود که بدون این مبنا سخن میر داماد را بسنجیم که اگر این گونه عمل کنیم از راه حمل بر مجاز می توان ابواب یاد شده بر حدیث را بر دربانان یا راه های گذر معنا و حمل کرد. بنابراین، اگر اشکالی بر این دو وجه وارد شود همان حمل بر مجاز است که در وجوه دیگر نیز مشهود است، لذا اشکال این وجه نیز همانند احتمال پیشین حمل بر مجاز بعید خواهد بود و این وجه نیز وجهی غیر موجه به شمار می آید؛ چرا که در آن از راه مجاز بعید شیئی بر محل گذر آن اطلاق شده است که در صورت وجود معانی قریب نمی توان بدان گرایید.

#### ۴-۸. ابواب فضل و فیض الهی

ممکن است مقصود از «باب» ابواب فضل و فیض الهی باشد، یعنی نماز چهار هزار «در» برای ریش فیوضات الهی را به روی انسان باز می کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹: ۳۰۳؛ ملکی تبریزی، بی تا: ۱۱۳). چنین برداشت هایی از این روایت بیانگر این است که نماز معجونی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده تا عنایات بی شمارش را بر بنده خود نازل کند. لیکن اگر دقت شود مشابه اشکال وارد بر احتمال چهارم بر این وجه نیز وارد خواهد بود.

#### ۹-۴. دارای چهار هزار مقدمه

معنای دیگر این حدیث آن است که نماز چهار هزار مقدمه دارد که صحت نماز متوقف بر آن است، از معرفت خدا گرفته تا مقدمات دیگر (مجلسی، ۱۶۳، ج ۱۵: ۲۵). اشکال این وجه این است که مقدماتی مانند معرفت خدا و ... مقدمه تمامی اعمال است و نماز در این میان خصوصیت خاصی ندارد.

#### ۱۰-۴. دارای اسرار اخلاقی و عرفانی فراوان

ممکن است چهار هزار در یا حد، ناظر به اسرار نماز باشد؛ معنایی که هم در آن دو عبارت دو روایت یاد شده یعنی چهار هزار در و چهار هزار حد به هم معنایی می‌رسند، به حدی که می‌توانند جانشین یکدیگر شوند؛ بر خلاف برخی معانی یاد شده که منحصر معنای یکی از دو قرائت از دو روایت مورد بحث است، بر اساس این معنا، روایت مورد بحث ویژگی یک نماز واقعی را بیان می‌کند که چهار هزار مقدمه دارد یا دارای چهار هزار حکم و سر است و این چهار هزار، چهار هزار مقدمه ای است که در فکر انسان است و مانع از توجه به خداوند می‌شود. در یک تحلیل اخلاقی ممکن است این چهار هزار ناظر به چهار خلق و خوی زشت در انسان باشد که عبارت است از ۱. قوه شهویّه ۲. قوه غضبیّه ۳. قوه وهمیّه و ۴. قوه فکریّه. این چهار قوه موجب می‌شود که فرد دلبستگی‌هایی پیدا کند که باید تمام این دلبستگی‌ها را کنار بگذارد تا توجه به خدا در نماز حاصل شود؛ یا بر اساس یک تحلیل دقیق عرفانی می‌توان این چهار هزار تا را به چهار اسم از اسمای حسنی الهی برگرداند، به این معنا که از بین اسمای الهی برخی نسبت به برخی دیگر به عنوان ستون هستند که به آن‌ها «آمهات الاسماء» گفته می‌شود. به عنوان مثال «علیم» یکی از ارکان ستون هاست به طوری که هر چیزی از سنخ علم را در بر می‌گیرد. همین طور اسم‌های قدرت و حیات نیز از ارکان اسمای الهی هستند که ما به آن‌ها توجه نداریم. اگر به این اسماء توجه شود راه‌های رسیدن به نماز واقعی برای انسان گشوده می‌شود.

بنابراین، تطبیق روایت مورد بحث فقط بر آداب و احکام نماز بسیار دشوار است و منظور از آن اسرار نماز است، یعنی ویژگی‌هایی در نماز وجود دارد که فقط با توجه، نه فقط با خم و راست

شدن، نصیب فرد می‌شود. اتفاقاً روایت رزام از امام صادق<sup>(ع)</sup> بهترین دلیل بر شرح این حدیث است که بعد از نقل مضمون مورد بحث از امام صادق<sup>(ع)</sup> در ادامه به اسرار نماز می‌پردازد، به گونه‌ای که جملات بعد را می‌توان تفسیر و شرح حدیث مورد بحث تلقی کرد. سید بن طاووس در فصل دوم کتاب فلاح السائل با عنوان «شرایط نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت باز می‌دارد» آورده است: «ابو جعفر منصور [خلیفه عباسی] در روز جمعه‌ای در حالی که بر دست حضرت صادق جعفر بن محمد علیه السلام تکیه زده بود، بیرون آمد. مردی که رزام آزادشده خالد [یا: خادم] بن عبد الله نامیده می‌شد، گفت: این کیست که آن قدر در نزد امیر المؤمنین یعنی منصور ارجمند است که بر دست او تکیه زده است؟ گفته شد: او جعفر بن محمد صادق - صلی الله علیه - است؟ وی گفت: به خدا سوگند، نمی‌دانستم [اگر می‌دانستم] بی‌گمان آرزو می‌کردم که گونه‌ای جعفر [منصور، بر زیر] نعلین جعفر می‌بود. سپس در جلوی منصور ایستاد و گفت: ای امیر المؤمنین! آیا اجازه هست سؤالی بکنم؟ منصور گفت: از ایشان [یعنی امام صادق علیه السلام] بپرس. [وی گفت: می‌خواهم از تو بپرسم. منصور گفت: از او بپرس.] رزام رو به امام جعفر بن محمد علیه السلام کرد و گفت: مرا از نماز و حدود و احکام آن خبر ده. حضرت صادق علیه السلام فرمود: نماز چهار هزار حدّ و حکم دارد که تواز همه آن‌ها مورد بازخواست قرار نمی‌گیری. گفت: تنها حدود و احکامی را که ترک کردن آن جایز نیست و نماز جز به آن کامل نمی‌گردد بفرما. امام صادق علیه السلام فرمود: نماز کسی تمام و کامل است که طهارت کامل داشته و کامل و بالغ بوده و ساتر داشته باشد و راست بایستد و نسبت به خدا شناخت و معرفت داشته و در پیشگاه او بایستد، و آرام گرفته و اظهار خشوع و تواضع نموده و قرار بگیرد، آن‌گاه میان حالت نومیدی و آزمندی، و شکیبایی و بی‌تابی بایستد، به گونه‌ای که گویی نوید پروردگار تنها متوجه او، و وعده عذاب تنها برای اوست، و دارایی [یا: آرمان‌های] خویش را در راه خدا بذل نموده و تمام اهداف [یا: وجود و تعلقات] خود را خیال انگاشته، و نفس خود و هر چیز ارجمند در نزد خویش را در راه خشنودی خداوند بذل نموده، و بدون این که انتظار چیزی را بکشد، پیش به سوی او، راه راست را طی نماید و وابستگی‌های اهتمام به غیر او را با چشم توجه به خداوندی که قصد سیر به سوی او را نموده و می‌خواهد به درگاه او وارد شده، قطع نماید و از او اجازه ورود بگیرد. هر گاه کسی این چنین عمل کند، نمازش همان نمازی خواهد بود که به خواندن آن امر و در باره آن گفته شده است که: «به راستی نماز انسان را از کردار

و گفتار زشت و ناپسند باز می‌دارد.» آنگاه منصور رو به امام صادق علیه السلام نمود و عرض کرد: ای ابا عبد الله، ما پیوسته از دریای [علم] تو استفاده نموده و به سوی تو نزدیکی می‌جوییم، ما را از کوری باطنی بینا گردانیده و به نور هدایت خویش، تاریکی و امور پیچیده را روشن می‌نمایی، لذا ما همواره در انوار پاکیزه و دریای لبریز دانش تو شناور هستیم.» (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق: ۲۳-۲۵؛ روحی، ۱۳۸۰: ۶۱-۶۲).

بنابراین، این حدیث را که امام خمینی (ره) در باره آن می‌نویسد: «بیان این حدیث شریف به مسلک اهل معرفت و تطبیق آن با ارکان و مقامات نماز به طول انجامد و ما شاید در بعضی از مقامات اشاره‌ای به بعضی فقرات آن بکنیم و اگر این چهار هزار حدّ که جناب صادق علیه السلام فرمودند از حدود ظاهریه و آداب صوریه بود، نمی‌فرمودند تو یکی از آن‌ها را ادا نمی‌کنی و وفا نمی‌نمایی، زیرا که معلوم است که همه کس می‌تواند به آداب صوریه نماز قیام کند. آری، قطع علاقه از غیر حق نمودن و وفود به حضرت او نمودن و بذل مهجه در راه او کردن و ترک غیر و غیریت یکسره نمودن، از اموری است که برای هر کس میسر نشود جز اهل معارف الهیه و اولیای کُمل و محبّین و مجذوبین» (خمینی، ۱۳۷۸ ب: ۱۰) می‌توان بهترین شرح از سوی معصوم<sup>(ع)</sup> بر سخن معصوم<sup>(ع)</sup> تلقی کرد که مراد از دارای چهار هزار «حد» و «در» داشتن نماز، درها و اسرار معنوی است که نماز خود در بردارنده و گشاینده آن است و این معنا کاملاً با ظهور هر دو روایت مورد بحث سازگار است.

## ۵. نتیجه پژوهش

در پاره‌ای از روایات رضوی به اسرار نماز پرداخته شده است. از این احادیث افزون بر آن که برمی‌آید نماز دارای سر و راز است، پاره‌ای از این احادیث به مراتب اسرار نماز و نیز سر و راز پاره‌ای از اجزاء و مقدمات نماز پرداخته و راز هر یک از بخش‌های این معجون معنوی را بیان کرده است. یکی از این روایات حدیث «الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةُ أَلْفِ بَابٍ» است که وجوه متعددی در معنای آن گفته شده است که تنها وجه مورد قبول حمل آن بر اسرار ویژه داشتن نماز است و احتمال‌های دیگر با اشکال تطابق نداشتن با ظهور روایت مورد بحث مواجه است.

## ۶. منابع

### ۱. قرآن کریم.

۲. ابن بابویه ابوجعفر محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۴ ق)، **عیون اخبار الرضا** (۴)، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳. ----- (۱۳۶۳)، **من لایحضره الفقیه**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ ق)، **فلاح السائل ونجاح المسائل**، قم: بوستان کتاب.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
۶. آملی، سید حیدر، (۱۳۸۲) **أنوار الحقيقة و أطوار الطريقة و أسرار الشریعة**، قم: نور علی نور.
۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه بعثت.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، **وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۸ الف)، **آداب الصلاة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۳۷۸ ب)، **سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. روحی محمد (کاوس) (۱۳۸۰)، **ادب حضور**، ترجمه کتاب فلاح السائل نوشتته ابن طاووس، علی بن موسی، قم: انتشارات انصاری.
۱۲. سعادت پرور، علی (۱۳۸۳)، **راز دل**، تهران: احیاء کتاب.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، **نهج البلاغه**، تصحیح و تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۷۱ ش)، **التنبيهات العلیه علی وظائف الصلاة القلبیه**، تحقیق صفاء الدین البصری، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۵. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، **الألفية فی فقه الصلاة الیومیة**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۶. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۰۸ ق)، **النقلیة**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه قم.

۱۷. صدر، محمد باقر (۱۴۱۸ ق)، **دروس فی علم الأصول**، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳ ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۷ ق)، **المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء**، چاپ چهارم، قم: موسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۰. ----- (۱۴۰۶ ق) **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین (ع).
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) **الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق) **بحار الأنوار**، بیروت: موسسه الوفا.
۲۳. ----- (۱۳۶۳) **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. ----- (بی تا) **ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار**، تحقیق و تصحیح: مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۵. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ ق) **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (طبع قدیم)**، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۲۶. ملکی تبریزی، حاج میرزا جواد، (بی تا) **اسرار الصلاة**، قم: دار الکتب الاسلامی.
۲۷. منسوب به علی بن موسی الرضا (ع)، (۱۴۰۶ ق)، **فقه الرضا (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام)**، مشهد: تصحیح و تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام.